

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۸

## بازپژوهی ارتباط انتظار فرج با اصل قرآنی حرمت یأس از روح الله

روح الله شاکری زواردهی<sup>۱</sup>

علی خانی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از چالش‌های مهم فراروی گفتمان مهدویت، مسئله «یأس و ناامیدی» از ظهور و قیام منجی موعود، به جهت طولانی شدن غیبت است. این چالش زمانی جدی‌تر می‌شود که در برخی روایات، فرا رسیدن زمان ظهور منجی موعود با تحقق یأس و ناامیدی مردم پیوند خورده است. این روایات در ظاهر با روایت علوی «انتظروا الفرج و لا تأسوا من روح الله فإن أحب الأعمال إلى الله انتظار الفرج» که مبین پیوند مبنایی آموزه انتظار فرج با اصل قرآنی «حرمت یأس از روح الله» است، منافات دارد. پرسش اصلی این است که این روایات را چگونه باید تبیین نمود که با اصل مذکور منافات نداشته باشند؟ پاسخ این پرسش در گرو تبیین ارتباط مبنایی و معنایی انتظار فرج با اصل قرآنی حرمت یأس از روح الله است. توجه به تأکید تعالیم دینی بر مطلوبیت امید به رحمت الهی که موجب حرکت، پویایی و مجاهده در راه حق است و نیز، نهی از یأس و ناامیدی که سکون، رخوت و مسئولیت‌گریزی را به دنبال دارد، در کنار روایات پرشماری که به ترسیم سیمای حقیقی منتظران ظهور منجی موعود پرداخته و انتظار فرج را ملازم با حرکت، تلاش و مجاهده در راه حاکمیت حق و عدالت می‌داند، ارتباط مذکور را مبین می‌سازد. بر این اساس، روایاتی که ظهور منجی موعود را مقارن با تحقق یأس و ناامیدی می‌دانند

۱. عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (shaker.r@uc.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

هرگز به معنای جواز یأس و ناامیدی نبوده بلکه می‌توان این روایات را بدین معنا دانست که ظهور منجی موعود زمانی خواهد بود که مردم از همه حکومت‌ها و سیاست‌ها برای اجرای کامل عدالت در جهان، ناامید شوند و به اندازه‌ای از رشد معرفتی و فکری برسند که درک کنند تنها حکومت منجی موعود است که می‌تواند تأمین‌کننده عدالت حقیقی باشد.

### واژگان کلیدی

انتظار فرج، یأس از روح الله، فرهنگ مهدوی، رحمت الهی.

### مقدمه

اندیشه «پیروزی نهایی نیروی حق، صلح و عدالت بر نیروی باطل، ستیز و ظلم»، «استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی»، و «تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل»، اندیشه‌ای است که همه ادیان و مذاهب با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی بدان باور دارند. در اندیشه اسلامی، مبتنی بر آیات قرآن کریم، «پیروزی نهایی ایمان اسلامی» (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)، «برتری قطعی صالحان و حکومت آنان بر زمین» (انبیاء: ۱۰۵؛ نور: ۵۵)، «کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه» (قصص: ۵-۶)، و «آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت» (اعراف: ۱۲۸)، وعده و نوید داده شده است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده است. اصل «انتظار فرج» از يك اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح الله» است. (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲۴، ۴۰۵-۴۰۶) این اصل در آیه ۸۷ سوره یوسف با تعبیر «لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ» بیان شده است:

﴿يَا بَنِي إِدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾

فرزندان من، بروید و یوسف و برادرش را بجویید و از گشایش و رحمت خدا ناامید مشوید، که جز گروه کافران از گشایش و رحمت خدا ناامید نمی‌شوند.

هدف نوشتار حاضر، بازپژوهی ارتباط «انتظار فرج» با اصل دینی و قرآنی «حرمت یأس از روح الله» است. این ارتباط از روایت علوی «انتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله فإن أحب الأعمال إلى الله انتظار الفرج» (ابن شعبه حُرّانی، ۱۴۰۴: ۱۰۶؛ صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۶) قابل فهم است. تبیین ارتباط معنایی و مبنایی آموزه انتظار فرج با اصل مذکور می‌تواند رهیافت روشن‌تری از مسئله «یأس و ناامیدی» به عنوان یکی از آسیب‌ها و چالش‌های مهم فراروی



گفتمان مهدویت، ارائه نماید. بدین منظور پس از بیان معنای «یأس» و «رُوح الله»، و نیز تبیین جایگاه «انتظار فرج» در اندیشه دینی، پیوند معنایی و مبنایی آموزه «انتظار فرج» با اصل «حرمت یأس از روح الله»، مورد بحث قرار می‌گیرد و روشن می‌شود که انتظار حقیقی منجی موعود انتظاری است مبتنی بر امید، حرکت و پویایی. بر این اساس، روایاتی که به ظاهر «زمان فرارسیدن ظهور منجی موعود» را به «حصول یأس و ناامیدی» مقید نموده‌اند، به گونه‌ای تبیین و توجیه می‌گردند که با اصل مذکور منافات نداشته باشند. این مهم، در بخش پایانی مقاله، مورد بحث قرار می‌گیرد.

### معناشناسی «یأس» و «روح الله»

برخی اهل لغت واژه «یأس» را به «نقیض امید» یا «ضد امید» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۳۳۱؛ اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۸، ۴۲۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۵، ۲۹۱) و برخی، آن را «قطع امید» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۶، ۱۵۳؛ حمیری، ۱۴۲۰: ج ۱۱، ۷۳۹۱) معنا کرده‌اند. راغب این واژه را به معنای «قطع طمع» (راغب، ۱۴۱۲: ۸۹۲) و فیروزآبادی به معنای «قطع آرزو» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۴۰۳) دانسته‌اند. بسیاری از اهل لغت، این واژه را هم معنای «قنوط» ناامیدی از خیر (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۹، ۲۵)، منع کردن از چیزی (اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۵، ۳۲۹)، ناامیدی از رحمت خدا (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۱۷)، یأس شدید (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۴، ۱۱۳) می‌دانند (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۳، ۹۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۶، ۲۵۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۴۰۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۲۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۹، ۴۸). از آن جا که امید، طمع و آرزو به معنای «توقع و انتظار حصول مقصود» است، بنابراین «یأس» که در مقابل امید، طمع و آرزو قرار دارد، به معنای «انقطاع توقع و انتظار از چیزی» است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۱۴، ۸)

واژه «رُوح» در لغت به معنای «نسیم خُنک باد» (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۵، ۱۳۹؛ اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۳، ۱۹۶؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۳، ۵۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۵۷) آمده است. ازهری به نقل از اصمعی آن را به معنای «استراحت از غم و اندوه قلب» دانسته است. (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۵، ۱۳۹ و ۱۴۵) این واژه به معنای «سرور و فرح» (ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۳، ۵۰۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۴، ۵۸)، «استراحت» (حمیری، ۱۴۲۰: ج ۴، ۲۶۶۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۵۳) و «رحمت» (ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۳، ۵۱۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۵۷؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۵۳) نیز به کار رفته است. بیشتر لغت‌پژوهان مبتنی بر معنای اخیر، واژه رُوح الله در آیه ﴿لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ﴾ (یوسف: ۸۷) را به «رحمة الله» معنا کرده‌اند. (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۵،

۱۴۵؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ج ۳، ۵۱۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۶۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۵۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۴، ۵۹)

مفسران فریقین درباره معنای «رُوح الله» ذیل آیه «لَا تَيَأْسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ»، تفاسیر گوناگونی ارائه نموده‌اند. بسیاری از آنها با تکیه بر معنای لغوی این واژه، آن را به «فرج و گشایش [از سوی خداوند]» (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۲، ۲۰۷؛ طوسی، بی تا: ج ۶، ۱۸۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۰۰؛ شریف الرضی، ۱۴۰۶: ۱۷۴؛ واحدی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۵۵۸؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۱۲، ۲۵۶) و یا «رحمت الهی» (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۳، ۲۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۳۹۵؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ج ۲، ۵۵۱؛ لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۵۵۱) تفسیر نموده‌اند. عده‌ای نیز هر دو معنای «فرج و رحمت» را ذکر کرده‌اند. (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۵، ۱۲۴؛ ماوردی، بی تا: ج ۳، ۷۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۵، ۲۵۰؛ بقاعی، ۱۴۲۷: ج ۴، ۹۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۳۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۹؛ همو، ۱۴۱۸: ج ۱، ۵۸۵؛ ابن ابی جامع، ۱۴۱۳: ج ۲، ۱۱۴؛ مکارم، ۱۳۷۱: ج ۱، ۵۸) ابوالفتوح رازی «رُوح» را به معنای «نفعی که مقرون به لذت است» دانسته است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۱۱، ۱۴۱) علامه طباطبایی این واژه را به معنای «فرج بعد از شدت» و کنایه از راحتی که ضد تعب و خستگی است، می‌داند و معتقد است رُوح الله همان فرج بعد از شدتی است که به اذن خدا و مشیت او صورت می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ۲۳۴)

با توجه به معنای لغوی واژه «روح»، و تفاسیر ارائه شده از «رُوح الله» در آیه مذکور، می‌توان این تعبیر را به معنای «گشایش و آسایش بعد از سختی و شدت در پرتو رحمت الهی» دانست.

### جایگاه آموزه «انتظار فرج» در اندیشه دینی

تعبیر «انتظار فرج» در روایات عنوان عامی است که مفید امید داشتن به لطف و رحمت و گشایش الهی در همه مشکلات و سختی‌هاست. مطابق تعالیم اسلامی، انسان مؤمن هیچ‌گاه نباید در گرفتاری‌ها و شداید امید خویش به رحمت و اسعه الهی را از دست بدهد، بلکه می‌بایست در ضمن انجام وظایف، همواره چشم به لطف و فرج الهی داشته باشد و هرگز از نسیم رحمت خداوند ناامید نباشد. بنابراین، انتظار فرج تنها به معنای انتظار فرج نهایی نیست، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی در زندگی انسان مؤمن قابل‌گشوده شدن است. اهتمام آموزه‌های دینی در بیان معنای عام انتظار به حدی است که از آن با تعابیر بلندی چون برترین جهاد امت: «أفضل جهاد أمتی إنتظارُ الفرَج» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۳۷)، برترین عبادت: «أفضل العبادة إنتظارُ الفرَج» (ابن بابویه (صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷)، محبوب‌ترین



عمل نزد خداوند: «سئل عن علی رجل: أئی الأعمال أحبّ إلى الله، قال: انتظار الفرج» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۲)، و بهترین عبادت مؤمن: «أفضل عبادة المؤمن انتظار فرج الله» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۹۱) یاد شده است.

رسول خدا ﷺ بهترین عمل امت را انتظار فرج از جانب خدای سبحان می داند: «أفضل أعمال أمتی إنتظار الفرج من الله» (ابن بابویه (صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۸) و اهل بیت علیهم السلام برجسته ترین مصداق این عنوان کلی را انتظار فرج وجود مبارک ولی عصر و محمد بن علی دانسته اند، چرا که برای انسان های مؤمن، ظهور آن حضرت گشایش حقیقی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶۳) امام حسن عسکری علیهما السلام با استناد به فرمایش پیامبر ﷺ، علی بن حسین بن بابویه را به صبر و انتظار فرج سفارش نموده اند، هم چنین از ایشان خواسته اند تا شیعیان حضرت را به صبر کردن تا فرارسیدن ظهور فرزندشان فرا خوانند:

بر تو باد به صبر و انتظار فرج، چون پیامبر ﷺ فرمود: برترین اعمال امت من انتظار فرج است... ای علی صبر پیشه کن و شیعیان مرا به صبر امر کن. (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۰۷)

از جناب عبدالعظیم حسنی روایت شده:

بر سرورم حضرت جواد الائمه علیهما السلام وارد شدم، تصمیم داشتم از او بپرسم که آیا قائم شما همان مهدی است یا غیر او، پیش از آن که سخن بگویم، فرمود: ای ابوالقاسم، قائم ما همان مهدی است که باید در زمان غیبتش منتظر او بود، و در زمان ظهورش وی را اطاعت کرد، و او سومین فرزند من است. قسم به خدایی که محمد ﷺ را به پیامبری برگزید و امامت را به ما اختصاص داد، اگر تنها از عمر دنیا یک روز باقی باشد، خدای تعالی آن روز را به قدری طولانی می کند که قائم ما ظهور و خروج کند، و آن گونه که زمین از ظلم و جور پر شده است، آن را از عدل و قسط پر گرداند. خدای سبحان کار او را در یک شب اصلاح می کند و اوضاع را به نفع او می گرداند، چنان که کار موسی علیهما السلام را در یک شب اصلاح کرد، موسی علیهما السلام برای گرفتن شعله ای از آتش برای استفاده خانواده اش رفت اما هنگام بازگشت به شرافت رسالت و افتخار نبوت رسیده بود. سپس امام جواد علیهما السلام فرمودند: أفضل أعمال شیعتنا انتظار الفرج؛ بهترین اعمال شیعیان ما انتظار گشایش (امور به دست آن حضرت) است. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۷)

در این روایت، تعبیر «انتظار فرج» به عنوان بهترین اعمال شیعیان، پس از سخن درباره حضرت مهدی و محمد بن علی و مسئله قطعیت ظهور ایشان مطرح شده است، و این گویای آن است

که انتظار فرج منجی موعود، از مصادیق بارز آموزه «انتظار فرج» در دین اسلام است. در روایت دیگری از عبدالله بن بکیر آمده است:

خدمت امام باقر علیه السلام راجع به دوازدهمین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله مطالبی مطرح شد. حضرت رو به جمع حاضر نمود و فرمود: «اعلموا أنّ المنتظر لهذا الأمر له مثل أجر الصائم القائم و من ادرك قائمنا فخرج معه فقتل عدونا كان له مثل أجر عشرين شهيداً و من قتل مع قائمنا كان له مثل أجر خمسة و عشرين شهيداً»؛ بدانید همانا کسی که انتظار این امر (امر ظهور قائم) را داشته باشد، برای او پاداش روزه دار و نمازگزار خواهد بود و هر کس توفیق درک فیض ظهورش را پیدا کند و او را همراهی نماید و دشمنان ما را به قتل برساند برای او پاداش بیست شهید خواهد بود و چنانچه آن شخص در رکاب قائم ما به شهادت برسد به او ثواب بیست و پنج شهید داده می شود. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۲۲)

مفضل بن عمر نیز روایت کرده:

در محضر امام صادق علیه السلام بودیم که سخن از انتظار و آمادگی و پذیرش نجات بخش الهی که از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است به میان آمد. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «من مات منتظراً لهذا الامر كان كمن كان مع القائم في فسطاطه لابل كان بمنزلة الضارب بين يدي رسول الله بالسيف»؛ هر کس در انتظار این امر (امر ظهور قائم) به سر برد و با آمادگی برای ظهور قائم از دنیا برود، همانند کسی است که در خیمه فرماندهی او به سر برده و گوش به فرمان او باشد، بلکه بالاتر، او همانند کسی است که در راه خدا در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر جهاد کند. (همو: ۳۳۸)

علی بن مهزیار می گوید:

نامه ای به امام هادی علیه السلام نوشتم و از ایشان درباره «فرج» پرسیدم؛ حضرت فرمود: «إذا غاب صاحبكم عن دار الظالمين فتوقعوا الفرج»؛ هرگاه امام شما از بین ظالمان و ستمگران مخفی شد، چشم به راه فرج باشید. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۸۰)

تعبیر «المنتظر لهذا الأمر»، «منتظراً لهذا الأمر»، و «فتوقعوا الفرج» در روایات فوق، به روشنی، کاربرد آموزه انتظار فرج در مسئله ظهور منجی موعود را آشکار می سازد.

با توجه به مجموع روایات فوق الذکر می توان چنین گفت که انتظار فرج در معنای عام و کلی، بیانگر لزوم امید به رحمت و فرج الهی در مشکلات و ناملازمات و عدم یأس نسبت به گشایش در امور است، و بی تردید مهم ترین و بارزترین مصداق این عنوان کلی، انتظار فرج نهایی و گشایش در امر ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است.

## پیوند معنایی «انتظار فرج» با اصل «حرمت یأس از روح الله»

محور اصلی نوشتار حاضر، تبیین ارتباط مبنایی و معنایی آموزه انتظار فرج، با اصل قرآنی حرمت یأس از روح الله است. پرهیز از ناامیدی نسبت به رحمت و فرج الهی، از جمله تعالیمی است که در آیات متعددی از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند در آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: ۵۳)، بندگان گناه کار خود را نسبت به ناامیدی از رحمت خداوند، نهی فرموده، و قانتین از رحمت خویش را «گمراه» خوانده است: «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطْ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر: ۵۶). در آیه ۸۷ سوره یوسف نیز، فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام نسبت به یأس از روح الله برحذر داشته شده‌اند: «لَا تَيَاسُوا مِن رُّوحِ اللَّهِ» و ناامیدی از رحمت و فرج الهی صفت کافران دانسته شده است: «إِنَّهُ لَا يِيَّاسُ مِن رُّوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ». در روایات نیز، یأس و ناامیدی از رحمت خداوند، از گناهان کبیره: «الكبائر القنوط من رحمة الله و اليأس من روح الله» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۸۰) و بزرگ‌ترین بلا «اعظم البلا انقطاع الرجاء» (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۸۶) خوانده شده است. بنابراین، با توجه به تأکیدات فراوان نصوص دینی، تردیدی در حرمت یأس و ناامیدی از رحمت و فرج الهی باقی نمی‌ماند.

ارتباط آموزه «انتظار فرج» با اصل قرآنی «حرمت یأس از روح الله»، از بیان نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرماید: «انتظروا الفرَج و لا تياسوا من روح الله فان أحب الأعمال إلى الله عزوجل انتظار الفرَج» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۱۰۶؛ صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۶)<sup>۱</sup> قابل فهم و دریافت است. تقارن و هم‌نشینی دو تعبیر «انتظروا الفرَج» و «لا تياسوا من روح الله» در کلام حضرت، گویای آن است که مسئله انتظار فرج با پرهیز از یأس و ناامیدی امید، و نقطه مقابل آن یعنی امید به رحمت و فرج الهی ارتباط دارد، به این معنا که انتظار حقیقی و واقعی بر مبنای پرهیز از یأس، و امید به رحمت و گشایش خداوند بنا گردیده است و مؤلفه‌هایی که آموزه امید را در فرهنگ دینی و قرآنی توصیف می‌کنند، شرط اساسی در تحقق معنای حقیقی و صحیح انتظار فرج، خواهد بود. به بیان دیگر، باید دید آموزه امید با توجه به تعالیم دینی، دارای چه ویژگی‌ها و آثاری است و چنان‌چه آن ویژگی‌ها و آثار در اعمال منتظران قابل مشاهده

۱. علامه مجلسی درباره اعتبار این حدیث می‌نویسد: «ثم اعلم أن أصل هذا الخبر في غاية الوثاقة والاعتبار على طريقة القدماء وإن لم يكن صحيحاً بزعم المتأخرين واعتمد عليه الكليني رضي الله عنه وذكر أكثر أجزائه متفرقة في أبواب الكافي وكذا غيره من أكابر محدثين». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۱۱۷)

بود، می‌توان انتظار آنها را انتظار حقیقی و مبتنی بر آموزه‌های دینی دانست. بنابراین، برای تبیین پیوند مبنایی و معنایی انتظار فرج و اصل قرآنی حرمت یأس از روح الله لازم است اولاً: جایگاه امید و مهم‌ترین مؤلفه آن یعنی «حرکت و پویایی» در فرهنگ دینی تبیین گردد، و ثانیاً: این مؤلفه در فرهنگ انتظار منجی موعود ره‌یابی و اثبات گردد. این مهم در دو عنوان زیر پی‌گیری می‌شود:

یک: «حرکت و پویایی» مهمترین مؤلفه «امید»

در تعالیم اسلامی، آموزه «امید» با حرکت، تلاش و پویایی، قرین و همنشین است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره: ۲۱۸)؛

همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که مهاجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها به رحمت پروردگار امیدوار هستند و خدا آمرزنده و مهربان است.

در این آیه امید به لطف و رحمت پروردگار، مشروط به «ایمان، هجرت و جهاد» است، یعنی کسانی امید به رحمت خداوند دارند که اهل ایمان و عمل باشند، بنابراین افرادی که اهل حرکت، تلاش و عمل صالح نیستند نمی‌توانند به رحمت خدا امیدوار باشند. «رجاء» آن امیدی است که انسان مقدمات آن را فراهم سازد، و اساساً امید بدون عمل، آرزویی بیش نیست. در آیه دیگری این حقیقت چنین بیان شده است:

﴿فَنَ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف: ۱۱۰).

در روایات نیز، «امید» مایه حرکت و تلاش و پویایی، معرفی شده است. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده: «كُلُّ رَاجٍ طَالِبٌ؛ هر امیدواری، جوینده است». (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۷) در بیان دیگری، درباره کسی که مدعی امیدواری است، می‌فرماید:

يَدْعِي بِزَعْمِهِ أَنَّهُ يَرْجُو اللَّهَ، كَذَبٌ وَالْعَظِيمُ مَا بَالَهُ لَا يَتَّبِعُ رِجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ، فَكُلٌّ مِنْ رِجَا عَرَفَ رِجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ؛

به گمان خود ادعا می‌کند که به خدا امید دارد، به خدای بزرگ که دروغ می‌گوید و گرنه چرا امیدواری او در کردارش پیدا نیست، پس هر کسی که امید دارد، امید او در اعمال و رفتارش مشخص می‌شود. (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۲۲۵، خطبه ۱۶۰)

نیز می‌فرماید:



لا تكن ممن يرجوا الآخرة بغير العمل؛

چونان کسی مباحث که بدون عمل به آخرت امید می‌بندد. (همو: ۴۹۷، حکمت ۱۵۰)

این روایات و مانند آن بیانگر آن است که امید و آرزو بدون حرکت، تلاش و عمل، بی‌فائده و دروغین است، و قوام رجا و امید حقیقی و واقعی، به عمل و پویایی است. در مقابل، «یأس و ناامیدی» موجب سکون و کوتاهی در انجام تکالیف و وظایف است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اليأس من روح الله أشدّ برداً من الزمهرير (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۹، ۳۳۸)؛

ناامیدی از رحمت الهی سردتر از زمهریر است.

تعبیر «سردتر از زمهریر» بیانگر آن است که ناامیدی، موجب رخوت و سستی انسان می‌شود هم‌چنان که سرمای شدید انسان را به رخوت می‌کشاند، رخوتی که به تفریط و کوتاهی در انجام وظایف می‌انجامد، به بیان امیرالمؤمنین علیه السلام: «فی القنوط التفریط». (همو: ج ۷۴، ۲۳۰)

با توجه به آن‌چه که بیان شد، روشن می‌شود که مهم‌ترین مؤلفه و ویژگی «امید»، حرکت، تلاش و پویایی است و مهم‌ترین اثر «ناامیدی»، سکون، رخوت و تفریط است.

**دو: فرهنگ انتظار ملازم با «حرکت و پویایی»**

تأمل در آیات و روایات مربوط به مسئله مهدویت و تعبیری که به نوعی به مسئله ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی وجاهته الشريف و وظایف منتظران در زمان غیبت اشاره دارند، بیانگر آن است که «انتظار منجی موعود» همواره با تعهد و تحرک و پویایی که مؤلفه اصلی امید به رحمت الهی است، همراه بوده و هیچ‌گاه با یأس و ناامیدی که موجب سکون، بی‌مسئولیتی و ایستادن از تلاش و حرکت است، سازگار نمی‌باشد.

در آیه ۵۵ سوره نور، که به جانشینی و حکومت صالحان در زمین اشاره دارد و مطابق برخی روایات بر حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی وجاهته الشريف تطبیق شده، سخن از «ایمان و عمل صالح» است، یعنی جانشینی در زمین به کسانی که اهل عمل صالح هستند وعده داده شده است. در روایات نیز معنای حقیقی انتظار و ویژگی‌های منتظران واقعی، به روشنی تبیین شده است. امام صادق علیه السلام در توصیف منتظر حقیقی امام زمان عجل الله تعالی وجاهته الشريف می‌فرماید:

المنتظر للثاني عشر كالمشاهر سيفه بين يدي رسول الله يدب عنه (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۷)؛

کسی که منتظر امام دوازدهم باشد، مانند کسی است که در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شمشیر می‌کشد و از آن حضرت دفاع می‌کند.

کسی که خود را خواهان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند و امید اصلاح امور از آن حضرت دارد اما خود اهل جهاد و حرکت و تلاش نیست، سخن به گزاف گفته و در حقیقت نه منتظر، که منزوی از ایشان است. انتظار حقیقی ظهور آن حضرت به معنی آماده‌سازی عده و عده در تمامی زمینه‌ها از جمله مسائل نظامی و جهاد در راه خداست. در انتظار راستین، سخن از مبارزه و جهاد است نه سکون و قعود و صرفاً دست به دعا بلند کردن. این همان معنای بلندی است که امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف بدان اشاره و در بیان وظیفه شیعیان در عصر غیبت می‌فرماید: «علیکم بالدعاء و انتظار الفرج» (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۳۳۲)، همراهی امر به «دعا» با «انتظار فرج» گویای آن است که منتظر راستین ظهور، همواره در تلاش و تکاپوست تا علاوه بر خودسازی و توجه به تکالیف فردی، به رسالت اجتماعی خود در مبارزه با ظلم و ستم نیز عامل باشد.

امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

المنتظر لأمرنا کاملتشحط بدمه فی سبیل الله (گروهی از محققان، ۱۴۲۸: ۳)؛

کسی که منتظر امر فرج ما باشد، مانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلت زند (و به شهادت برسد).

تشبیه مقام و رتبه منتظران امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مقام و رتبه شهیدان راه خدا، بیانگر عظمت والای مسئله انتظار است. روشن است که شهداء بدون حرکت و قیام و جهاد در راه خدا هرگز نمی‌توانستند به مقام والای شهادت نائل آیند، این مقام ثمره جهاد و مبارزه در راه خداست، بنابراین منتظران حقیقی امر ظهور نیز کسانی‌اند که گام در مسیر جهاد و حرکت و مبارزه با ظلم و بیداد گذارده، از هیچ کوششی در جهت گسترش عدالت و حاکمیت حق دریغ نمی‌کنند. آن که به انتظاری تهی از رزم‌آوری و مجاهده دل خوش می‌دارد و گمان می‌کند بی‌آمادگی برای جهاد و شهادت می‌توان منتظر موعود بود، خیالی باطل دارد و کار انتظارش به سامان نخواهد رسید.

این تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «برترین جهاد امت من انتظار فرج است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷) خود گویای آن است که انتظار فرج امری است که با جهاد (در زمینه‌های مختلف) صورت می‌پذیرد. آن کس که باور دارد که هیچ تلاشی برای اصلاح امور در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ثمربخش نیست، هرگز برای مبارزه با طاغوتیان و مقاومت در برابر دشواری‌ها انگیزه‌ای نخواهد داشت، اما آنان که دل به انتظار راستین سپرده و قلبی مملو از امید به ظهور دارند و می‌دانند که در نهایت صالحان، حاکمان زمین خواهند بود و حق به صاحبانش باز

می‌گردد، و با محو ستم و بیداد امر جامعه اصلاح و سامان می‌پذیرد، برای رسیدن به چنین جامعه‌ای خویشتن را اصلاح خواهند کرد و در اصلاح جامعه خود در زمینه‌های مختلف می‌کوشند، تا زمینه ایجاد و تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورند.

ادراک صحیح و روشن معنای انتظار اقتضا می‌کند که انسان منتظر حرکتی دائمی و تلاشی پویا داشته باشد، تا بر اثر آن خود و جامعه خویش را مهیای ظهور امام منتظر سازد. فرمایش وجود مبارک امام صادق علیه السلام که «لِیُعَدَنَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰) چراغ روشنایی بخش این راه خجسته است. مطابق این روایت، هر که بخواهد به واقع منتظر وجود مبارک آن حضرت باشد لازم است خویشتن را مهیا سازد، اگر چه با آماده کردن یک تیر باشد. تأمل در این روایت شریف می‌فهماند که انسان تا مرد میدان جهاد و مبارزه نشود، نمی‌تواند خویشتن را در زمره منتظران راستین آن حضرت بداند و این همان معنای بلندی است که در ادعیه نورانی شبهای ماه مبارک رمضان به آن اشاره شده است: «و قَتْلًا فِی سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوْقَ لَنَا». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۵، ۱۱۷) این که امام صادق علیه السلام فرمود: «باید هر یک از شما خود را برای ظهور آن حضرت آماده کند و لو با یک تیر»، صبغه تمثیل دارد نه تعیین، زیرا متخصص نظامی، آمادگی رزمی و وظیفه اوست و کارشناس اقتصادی، رسالتش تلاش برای حل تورم، رفع بیکاری، تعدیل تقاضا و عرضه، تقلیل فاصله رنج‌آور طبقاتی و تعطیل اسراف و اتراف و ترقه است و مجتهد فقهی یا حقوقی یا سیاسی، عهده‌دار جهل‌زدایی و ایستادگی در برابر هجوم فرهنگی و در نهایت، تبیین و تعلیل و حمایت عالمانه از مبانی اعتقادی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸۵-۱۹۰)

خلاصه آن که، منتظر حقیقی اهل عمل به وظیفه، حرکت و پویایی است و در فرهنگ مهدویت، انتظار فرج با سکون، رخوت و مسئولیت‌گریزی که از آثار مهم یأس و ناامیدی است، سازگار نمی‌باشد و اساساً انتظار بدون عمل، هیچ‌گونه مطلوبیتی از نظر معارف دینی ندارد. تعبیر امام سجاد علیه السلام از «انتظار فرج» که آن را برترین عمل‌ها دانسته است: «انتظار الفرَج من أفضل العمل» (بحرانی، ۱۴۱۱: ج ۴، ۱۴)، گویای همین مطلب است. انتظاری که در فرهنگ اسلامی عبادت به شمار می‌رود و منتظران را از پاکان و صالحان و معتقدان پابرجا و استوار بر می‌شمارد، انتظاری است آمیخته با امید به آینده مطلوب و جهاد در راه حاکمیت حق. به تعبیر شهید مطهری:

انتظار فرج داشتن یعنی آرزوی واقعی و حقیقی مجاهد بودن در راه حق. (مطهری،

۱۳۸۵: ۱۷۲-۱۷۳)

بنابراین، توجه به تأکید تعالیم دینی بر مطلوبیت امید به رحمت الهی که موجب حرکت، پویایی و مجاهده در راه حق است و نیز، نهی از یأس و ناامیدی که سکون، رخوت و مسئولیت‌گریزی را به دنبال دارد، در کنار روایات پرشماری که انتظار فرج منجی موعود را ملازم با حرکت، تلاش و مجاهده در راه حاکمیت حق و عدالت می‌داند، مبین ارتباط مبنایی و معنایی انتظار فرج با اصل قرآنی حرمت یأس از زوح الله است.

### فرا رسیدن فرج، هنگام یأس و ناامیدی!

در میان روایاتی که به مسئله انتظار فرج امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى اشاره دارند، روایاتی وجود دارد که به ظاهر، فرا رسیدن فرج امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى را با تحقق یأس و ناامیدی پیوند زده‌اند، به این معنا که هنگام فرج و ظهور حضرت را زمان یأس و ناامیدی انسان دانسته‌اند. این روایات در ظاهر با آنچه تاکنون درباره ارتباط آموزه انتظار فرج با اصل قرآنی حرمت یأس از زوح الله بیان شد، منافات دارد؛ زیرا ظاهر این روایات گویای آن است که ظهور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى به یأس و ناامیدی انسان گره خورده، پس هر قدر که انسان در مسیر یأس و ناامیدی بیشتر گام بردارد، ظهور حضرت نزدیک‌تر خواهد شد. چه این که مهم‌ترین اثر یأس و ناامیدی بر انسان، ایجاد رخوت، سکون و بی‌مسئولیتی است، بنابراین هر چه این روحیه در انسان تقویت شود، و هر چه انسان ساکن‌تر و بی‌تفاوت‌تر، به همان اندازه ظهور حضرت نزدیک‌تر خواهد شد. این شبهه می‌تواند با روایاتی که می‌گوید «ظهور زمانی رخ می‌دهد که جهان پر از ظلم شده باشد» تقویت شود، زیرا انسان مأیوس و ناامید، انگیزه‌ای برای حرکت و تلاش ندارد، از این رو در مقابل گسترش ظلم و ستم بی‌تفاوت خواهد بود، و این سکون و بی‌تفاوتی موجب گسترش ظلم، و در نتیجه فرا رسیدن ظهور حضرت خواهد شد.

ابتدا به نقل این روایات و سپس به توضیح آنها و رفع این تنافی ظاهری می‌پردازیم.

۱. وَ بِهَذَا الْإِسْتِدَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو صَالِحٍ خَلْفَ بَنِي حَمَادٍ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَارْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ فَانْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُتُنْتَظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجَ عَلَى الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۵؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۳۸۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۴۱؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۲۱)؛

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: چقدر صبر پیشه گرفتن و انتظار فرج کشیدن نیکو است، آیا

نشنیده‌اید سخن خداوند را که فرمود: چشم به راه باشید که من نیز چشم به راهم و منتظر باشید که من هم با شما منتظر می‌باشم؟ پس صبر پیشه گیرید که فرج آل محمد (و ظهور دولت حق) هنگام یأس و نومیدی خواهد رسید و این را بدانید آنها که پیش از شما بودند بیش از شما صبر کرده‌اند.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّرْفِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّقَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ مَنْصُورٍ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ وَلَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَلَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَلَا وَاللَّهِ حَتَّى يَشْقَى مَنْ يَشْقَى وَيَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ (كليني، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۷۰: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۴۶: ابن بابويه قتي، ۱۴۰۴: ۱۳۰: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۸۴):  
ای منصور این امر برای شما فرا نخواهد رسید مگر بعد از مایوس شدن. نه به خدا نمی‌آید مگر بعد از آن که خوب و بد شما امتیاز یابند، نه به خدا نمی‌آید مگر موقعی که پاک شوید، نه به خدا او نمی‌آید مگر هنگامی که آن کس که شقی است، شقاوتش آشکار گردد و آن کس که سعادت‌مند است شناخته شود.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَدِينِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَشْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِتَّانٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ طَالَ هَذَا الْأَمْرُ عَلَيْنَا حَتَّى صَاقَتْ قُلُوبُنَا وَمِثْنَا كَمَدًا فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ آيَسٌ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَأَشَدُّهُ غَمًّا يَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَأَسْمِ أَبِيهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا اسْمُهُ فَقَالَ اسْمُهُ نَبِيٌّ وَأَسْمِ أَبِيهِ اسْمٌ وَصِيٌّ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۱: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۳۸: حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۱۵۷):  
داود بن کثیر رقی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم این امر (یعنی حکومت حق و الهی) چندان بر ما به درازا کشید که دلتنگ شدیم و از اندوه جانمان به لب رسید، فرمود: همانا این امر در آخرین پایه ناامیدی (مردم) و سخت‌ترین مرتبه دل‌تنگی و اندوه باشد که ناگاه نداکننده‌ای از آسمان به نام قائم و پدرش آواز سر می‌دهد، عرض کردم: فدایت شوم نام او چیست؟ آن حضرت فرمود: اسم او اسم یک پیامبر و نام پدرش نام جانشینی است.

۴. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِتَّانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ الصَّقَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

كُنْتُ أَنَا وَالْحَارِثُ بْنُ الْمُعْبِرَةِ وَجَمَاعَةً مِنْ أَصْحَابِنَا جُلُوسًا وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَسْمَعُ كَلَامَنَا، فَقَالَ لَنَا: فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ هِيَآتْ هِيَآتْ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَغْيَنُكُمْ حَتَّى

تُعَزِّبُوا لَآ وَٱللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحِّصُوا لَآ وَٱللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُبَيِّرُوا، لَآ وَٱللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَآ وَٱللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى يَشُقَّ مَنْ يَشُقُّ وَيَسْعَدُ مَنْ يَسْعَدُ (كليني، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۵)؛

من و حارث بن مغیره با جماعتی از اصحاب مان (شیعیان) خدمت امام صادق علیه السلام نشستند بودیم (و از ظهور دولت حق سخن می گفتیم) آن حضرت سخن ما را می شنید، سپس فرمود کجائید شما؟ هیهات، هیهات، نه به خدا آن چه به سوی چشم می کشید واقع نشود، تا غربال شوید، نه به خدا آن چه به سوی چشم می کشید واقع نشود، تا بررسی شوید، نه به خدا آن چه بسوی چشم می کشید واقع نشود تا جدا شوید. نه به خدا آن چه بسوی چشم می کشید واقع نشود، جز بعد از نومییدی. نه به خدا، آن چه بسوی چشم می کشید واقع نشود، تا شقاوت بشقی برسد و سعادت بسعید.

۵. قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

يَا عَلِيَّ وَذَلِكَ حِينَ تَغْيِرَتِ الْبِلَادُ، وَضَعَفَ الْعِبَادُ، وَالْيَأْسُ مِنَ الْفَرْجِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَادِي (مرعشي، ۱۴۰۹: ج ۱۳، ۱۲۵)؛  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی، ظهور مهدی در هنگامی است که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف می شوند و از فرج و ظهور مهدی مأیوس می گردند. در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر می گردد.

۶. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

وَقَالَ عليه السلام لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عليه السلام إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ [شَدِيدٍ] مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يَصِيبُ النَّاسَ وَطَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَسَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَاخْتِلَافٍ شَدِيدٍ فِي النَّاسِ وَتَشْتِيتٍ فِي دِينِهِمْ وَتَغْيِيرٍ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنِّيَ الْمُؤْتَّ صَبَاحاً وَمَسَاءً مِنْ عَظِيمٍ مَا يَرَى مِنَ كَلْبِ النَّاسِ وَأَكْلٍ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فُخْرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْيَأْسِ وَالْفُتُونِ مِنْ أَنْ يَرَوْا فَرْجاً فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَاوَاهُ وَخَالَفَهُ وَخَالَفَ أَمْرَهُ وَكَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۱)؛

حضرت قائم عليه السلام قیام نمی کند، مگر در دورانی که خوف و ترس شدید و مصیبت ها و فتنه ها (بر جامعه) حاکم باشد و گرفتاری و بلا دامن گیر مردم شود و پیش از آن، بیماری طاعون شیوع یابد، درگیری شدید و مهلکی میان عرب اتفاق افتد، اختلاف

شدیدی بین مردم حاکم شود، از هم گسیختگی در دین و آیین آنان رخ دهد و وضعیت مردم تغییر کند تا جایی که هر آرزومندی هر شب و روز - از آن چه که از درنده‌خویی مردم و تجاوز آنان به حقوق یک دیگر می‌بیند - آرزوی مرگ می‌کند و خروج آن حضرت به هنگامی که خروج می‌کند هم زمان با یأس و ناامیدی مردم از دیدن فرج است، پس خوشا به حال آن کس که او را در می‌یابد و از یاوران اوست، وای و وای به تمامی بر آن کس که با او دشمنی ورزد و مخالفت کند و از فرمان او روی گرداند و از دشمنان او باشد.

تعبیر «اتما یجیء الفرج علی الیأس»، «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ»، «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِيَّاسٌ مَا يَكُونُ مِنْهُ»، «مَا يَكُونُ مَا تَمْدُونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ»، «الْيَأْسُ مِنَ الْفَرْجِ»، و «فَخَرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْيَأْسِ وَالْقَنُوطِ مِنْ أَنْ يَرَوْا فَرْجًا» در روایات فوق، هر یک به نوعی بر این مطلب دلالت دارند که هنگام ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَةُ الْقُرْبَى زمانی خواهد بود که یأس و ناامیدی حاکم باشد. در حدیث اول تا چهارم متعلق یأس بیان نشده است، یعنی مشخص نشده که یأس از چه چیزی منظور است، اما در حدیث پنجم و ششم قید «من الفرج» و «من أن یروا فرجاً» گویای آن است که مراد، یأس و ناامیدی از فرج است، یعنی خروج حضرت زمانی خواهد بود که مردم از مشاهده فرج در ظهور حضرت (به جهت طولانی شدن غیبت) و یا فرج و گشایش در امور خویش مأیوس شده‌اند.

در پاسخ به شبهه مطرح شده در صدر این بحث باید گفت:

اولاً: مهم‌ترین پاسخی که به این شبهه می‌توان داد این است که روایات محل بحث را می‌توان نظیر آن دسته از روایاتی دانست که ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَةُ الْقُرْبَى را در زمان فراگیر شدن ظلم و ستم در جهان، معرفی نموده‌اند، مانند: «... يَخْرُجُ قَيْمَلًا الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا». (نعمانی، ۱۳۹۷: ۹۳) بنابراین، هر پاسخی به آن دسته از روایات داده شود، می‌تواند در مورد روایات محل بحث نیز مورد قبول باشد. روایت امتلاء به ظهور علائم و نشانه‌ها از جمله گسترش بی‌عدالتی، گناه و منکرات در آخرالزمان اشاره دارد و این هرگز به معنای جواز ارتکاب ظلم و گناه نمی‌باشد. پس همان‌گونه که این روایات به معنای جواز ارتکاب ظلم و گناه نمی‌باشد، روایات محل بحث نیز که هنگام ظهور را مقارن با غلبه یأس و ناامیدی بر انسان‌ها دانسته است، دلالت بر مطلوبیت آن نمی‌کند و هرگز به معنای جواز یأس و ناامیدی و در پی آن سکون و مسئولیت‌گریزی نیست، زیرا همان‌گونه که ظلم و ستم در قرآن کریم و روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مورد نهی قرار گرفته، یأس و ناامیدی نیز مورد انکار شرع مقدس است. اثر عملی

این احادیث برای مؤمنان این است که اگر زمانی زمین را پر از ظلم و جور دیدند و سایه ناامیدی و یأس را هم بر سر انسان‌ها گسترده یافتند، خودشان مأیوس نشوند و در آن شرایط بیش از هر زمان دیگری انتظار فرج مولای خود را داشته باشند.

ثانیاً: ممکن است این روایات در مقام تذکر و تنبّه به این نکته باشند که تا بشریت چشم امید به قدرت‌های غیر الهی داشته باشد، نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته و بایسته است خود را برای ظهور حضرت آماده سازد. بنابراین، ظهور حضرت زمانی خواهد بود که مردم از همه حکومت‌ها و سیاست‌ها برای اجرای کامل عدالت ناامید شوند و به این اندازه از رشد معرفتی و فکری برسند که درک کنند تنها حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند تأمین‌کننده عدالت حقیقی باشد. این معنا، نه تنها نافی تلاش و حرکت و پویایی نیست، بلکه توجه به این نکته می‌تواند انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر جهت فراهم آوردن زمینه ظهور حضرت گردد.

ثالثاً: از امام جواد علیه السلام روایت شده است:

همانا خداوند تبارک و تعالی امر ظهور ایشان (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در یک شب اصلاح می‌فرماید، همان طور که کار کلیم خود حضرت موسی علیه السلام را (یک شبه) اصلاح فرمود، آن‌گاه که برای به دست آوردن آتش برای اهل خویش رفت، پس در حالی که پیامبر فرستاده شده بود بازگشت. بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج می‌باشد. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۷)

تعبیر «اصلاح در یک شب» می‌فهماند که اذن ظهور حضرت بدون هیچ‌گونه زمینه و مقدمه قبلی و در وقتی که ظاهراً نشانه‌ای دالّ بر نزدیک بودن آن وجود ندارد، صادر می‌شود. ممکن است مراد از روایات محل بحث نیز این باشد که در زمانی که مردم از ظهور حضرت به لحاظ ظاهری ناامیدند و نشانه‌ای بر نزدیک بودن ظهور ایشان وجود ندارد، ناگهان امر ظهور ایشان فرا می‌رسد. این معنا نه تنها با حرکت و تلاش و پویایی منافات ندارد، بلکه باور به ناگهانی بودن زمان ظهور موجب می‌شود که انسان در هیچ شرایطی از تحقق آن ناامید نگردد و در هر لحظه وقوع فرج را امری ممکن و عملی بداند، لذا همواره آمادگی خود را برای امر ظهور (با انجام وظایف فردی و اجتماعی خود) حفظ نماید. پس وظیفه شیعیان در خصوص انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که وقتی بر مبنای محاسبات عادی بشری امید به ظهور امامشان ندارند، بیشتر امید به فرج داشته باشند تا زمانی که روی آن (بر مبنای قرائن ظاهری) حساب می‌کنند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

به چیزی که امید (وقوعش را) نداری از آن چه امید (وقوعش را) داری، امیدوارتر



باش، همانا حضرت موسی بن عمران علیه السلام رفت تا برای اهل خود آتشی به دست آورد، پس در حالی که پیامبر مرسل بود به سوی ایشان بازگشت. پس خداوند کار بنده و پیامبرش موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود و خداوند تبارک و تعالی در مورد حضرت قائم امام دوازدهم علیه السلام نیز چنین عمل می کند. کار (ظهور) ایشان را در یک شب اصلاح می فرماید، همان طور که کار پیامبرش موسی علیه السلام را اصلاح کرد، و ایشان را از حیرت و غیبت به سوی روشنائی فرج و ظهور در می آورد. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۱۵۱)

رابعاً: در حدیث چهارم تحقق ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیک به غربال شدن مردم و جدا شدن (نیکان و بدان) آنها از یکدیگر منوط گردیده است. در این حدیث، امام صادق علیه السلام پس از سه تعبیر «حتی تغربلوا»، «حتی تمحصوا» و «حتی تمیزوا» می فرمایند: «لا والله ما یکون ما تمدون الیه أعینکم الا بعد ایاس». ذکر عبارت «الا بعد ایاس» در سیاق عبارات قبلی و پس از آن تعابیر می تواند گویای این باشد که یکی از محورهای غربال شدن مردم و جدا شدن آنها از یکدیگر محور «یأس و امید» است. بنابراین، معنای حدیث چنین خواهد بود که ظهور حضرت هنگامی فرا می رسد که انسان های امیدوار و ناامید از یکدیگر جدا شوند. این بیان نشان می دهد که در زمان ظهور هم چنان افرادی که به ظهور و فرج الهی امیدوارند وجود دارند و این گونه نیست که همه مردم دچار این یأس و ناامیدی و در نتیجه کوتاهی در انجام وظایف خود شده باشند. عبارت بعدی که می فرماید: «لا والله لا یکون ما تمدون الیه أعینکم حتی یشقی من یشقی و یسعد من یسعد» می تواند شاهد این مطلب باشد.

### نتیجه گیری

در اندیشه اسلامی میان آموزه انتظار فرج و اصل قرآنی حرمت یأس از روح الله ارتباط معنایی و مبنایی وجود دارد. واژه «یأس» به معنای «انقطاع توقع و انتظار از چیزی» و مراد از «روح الله»، رحمت و گشایش الهی است. فهم پیوند میان آموزه انتظار فرج و اصل قرآنی حرمت یأس از روح الله در گرو تبیین جایگاه امید و مهم ترین مؤلفه آن یعنی حرکت و پویایی و ره یابی این مؤلفه در آموزه انتظار منجی موعود است. تاکید آموزه های دینی بر پرهیز از یأس و ناامیدی که موجب سکون، رخوت و مسئولیت گریزی می گردد، نیز توجه به روایاتی که به ترسیم سیمای منتظران حقیقی و بیان وظایف منتظران ظهور در عصر غیبت پرداخته اند، نشان می دهد که عنصر حرکت و پویایی مقوم معنای انتظار فرج در فرهنگ مهدوی است، به گونه ای که اساساً بدون تلاش و مجاهده، انتظار حقیقی تحقق نخواهد یافت. در این میان، روایاتی که هنگام

ظهور را مقارن با تحقق یأس و ناامیدی می‌دانند و در ظاهر با اصل حرمت یأس از زوح الله منافات دارند را می‌توان همچون روایاتی که ظهور منجی موعود را در زمان فراگیر شدن ظلم و ستم در جهان معرفی کرده‌اند، توجیه نمود. نیز می‌توان این روایات را بدین معنا دانست که ظهور حضرت زمانی خواهد بود که مردم از همه حکومت‌ها و سیاست‌ها برای اجرای کامل عدالت ناامید شوند و به این اندازه از رشد معرفتی و فکری برسند که درک کنند تنها حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌تواند تأمین‌کننده عدالت حقیقی باشد.



## منابع

- قرآن كريم  
نهج البلاغه
- ابن أبى جامع، على بن حسين، *الوجيز في تفسير القرآن العزيز*، قم، دارالقرآن الكريم، ١٤١٣.
- ابن اثير، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، تحقيق: الطاهر أحمد الزاوي ومحمود محمد الطناحي، قم، مؤسسه إسماعيليان، ١٣٦٧ ش.
- ابن بابويه قمى، على بن حسين، *الإمامة والتبصير من الحيرة*، قم، مدرسة الإمام المهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، ١٤٠٤.
- ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن على، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٣٦٢ ش.
- \_\_\_\_\_، *كمال الدين وتمام النعمة*، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران، اسلامية، ١٣٩٥.
- ابن سيدة، على بن اسماعيل، *المحكم والمحيط الأعظم*، تحقيق: عبدالحميد هنداوى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢١.
- ابن شعبه حزانى، حسن بن على، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، مؤسسه نشر اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، ١٤٠٤.
- ابن طاووس، على بن موسى، *مهج الدعوات ومنهج العبادات*، تحقيق: ابوطالب كرماني و محمدحسن محرر، قم، دارالذخائر، ١٤١١.
- ابن عطية، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٢.
- ابن فارس، *معجم مقائيس اللغة*، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتب الأعلام الإسلامى، ١٤٠٤.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤.
- ابوالفتوح رازى، حسين بن على، *روض الجنان وروح الجنان في تفسير القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوى، ١٤٠٨.
- ازهرى، محمد بن احمد، *تهذيب اللغة*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤٢١.
- اسماعيل بن عباد، *المحيط في اللغة*، تحقيق: الشيخ محمدحسن آل ياسين، بيروت، عالم الكتب، ١٤١٤.

- أمدي، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحكم ودرر الكلم*، تحقيق: سيد مهدي رجائي، قم، دارالكتاب الإسلامي، ١٤١٠.
- بحراني، سيد هاشم، *البرهان في تفسير القرآن*، قم، مؤسسه بعثة، ١٣٧٤ ش.
- \_\_\_\_\_، *حلية الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١١.
- برقي، احمد بن محمد، *المحاسن*، تحقيق: جلال الدين محدث، قم، دارالكتب العلمية، ١٣٧١.
- بقاعي، ابراهيم بن عمر، *نظم الدرر في تناسب الآيات والسور*، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٧.
- ثعلبي، احمد بن محمد، *الكشف والبيان*، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٢.
- جوادى آملی، عبدالله، *امام مهدي* عجل الله تعال فرجه *موجود موعود*، قم، اسراء، ١٣٨٨ ش.
- جوهری، اسماعيل بن حماد، *الصحاح*، تحقيق: أحمد عبدالغفور عطار، بيروت، دارالعلم للملایین، ١٤١٠.
- حرّ عاملي، محمد بن حسن، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بيروت، اعلمی، ١٤٢٥.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاستاد*، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٤١٣.
- حمیری، نشوان بن سعيد، *شمس العلوم ودواء كلام العرب من الكلم*، تحقيق: حسين بن عبدالله العمري، دمشق، دارالفكر، اول، ١٤٢٠.
- راغب اصفهانی، حسين بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بيروت، دارالقلم، ١٤١٢.
- زيبيدي، مرتضى، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقيق: على شيبري، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤.
- زمخشري، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤٠٧.
- سيواسي، احمد بن محمود، *عيون التفاسير*، بيروت، دارصادر، ١٤٢٧.
- سيوطي، جلال الدين، *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٤٠٤.
- شريف الرضي، محمد بن حسين، *تلخيص البيان في مجازات القرآن*، بيروت، دارالأضواء، ١٤٠٦.
- صافي، لطف الله، *منتخب الاثر في الامام الثاني عشر* عجل الله تعال فرجه، قم، مكتبة آية الله العظمى الصافي، ١٣٨٠ ش.

- طباطبائی، محمد حسین، *الميزان في تفسير القرآن*، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۳۹۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه ۱۴۱۲.
- \_\_\_\_\_، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، تحقیق: السید أحمد الحسینی، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- \_\_\_\_\_، *الغيبة*، تحقیق: عباد الله تهرانی، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *كتاب العين*، تحقیق: مهدي المخزومي، قم، مؤسسة دارالهجرة، ۱۴۰۹.
- فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، بيروت، دارالملاک، ۱۴۱۹.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، بيروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۵.
- فیض کاشانی، محمد محسن، *الأصفي في تفسير القرآن*، قم، مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۱۸.
- \_\_\_\_\_، *الوافي*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین عليه السلام، ۱۴۰۶.
- \_\_\_\_\_، *تفسير الصافي*، تهران، مكتبة الصدر، ۱۴۱۵.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي*، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافي*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷.
- گروهی از محققان (مؤسسه معارف اسلامی)، *معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام*، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۴۲۸.
- لاهیجی، محمد بن علی، *تفسير شريف لاهيجي*، تهران، نشر داد، ۱۳۷۳ ش.
- ماوردی، علی بن محمد، *النكت والعيون*، بيروت، دارالکتب العلمية، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳.
- \_\_\_\_\_، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴.
- مرعشی، قاضی نورالله، *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، قم، مكتبة آيت الله مرعشي نجفي، ۱۴۰۹.

- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۳۰.
- مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، تهران، صدرا، ۱۳۸۵ ش.
- \_\_\_\_\_، مجموعه آثار (قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تهران، صدرا، ۱۳۷۷ ش.
- مفید، محمّد بن محمّد، الأمالی، تحقیق: حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- میبدی، احمد بن محمّد، کشف الأسرار و عده الأبرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- نعمانی، محمّد بن ابراهیم، الغیة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷.
- واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

میزان

سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۸

۲۷۸